



پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، دوره ۱۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوره انتشار: دوفصلنامه • شاپا چاپی: 3472-2322 • شاپا الکترونیک: 3402-2717

doi <https://doi.org/10.22067/irlip.2022.69352.1046>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

مزیت رقابتی قدرت اقتصادی فرانسه در اروپا

ریحانه صالح آبادی^۱، سیروس احمدی نوحدانی^۲، ساجد بهرامی جاف^۳

چکیده

ارزیابی سطح قدرت کشورها و مقایسه آنها با یکدیگر، یکی از موضوعات مورد بررسی در دانش ژئوپلیتیک است. دانش ژئوپلیتیک، به معنای استفاده بهینه از منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات بین بازیگران است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «وضعیت قدرت اقتصادی فرانسه در مقایسه با رقبای منطقه‌ای این کشور چگونه است؟» برای پاسخ گویی به این پرسش، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و هدف آن نیز کاربردی است. پژوهش حاضر، در دو مرحله انجام شده است؛ به این ترتیب که ابتدا اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شد و سپس، اهداف و راهبردهای مهم رسیدن به آنها و قابلیت‌های قدرت اقتصادی فرانسه، وارد نرم‌افزار Meta-SWOT گردید؛ بنابراین، هدف این پژوهش،

مقاله پژوهشی

واژگان کلیدی:

رقابت‌پذیری، قدرت اقتصادی، اروپا، فرانسه

۱. دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تهران، ایران
0000-0002-5144-4694 Reyhane.salehabadi@modares.ac.ir

۲. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تهران، ایران
0000-0001-8944-3411 sahmadi@modares.ac.ir

۳. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد، ایران
0000-0003-3616-9433 Sajed.bahramijaf@um.ac.ir



۱۸۷

مزیت رقابتی قدرت اقتصادی فرانسه در اروپا

بررسی مزیت رقابت‌پذیری قدرت اقتصادی فرانسه در مقایسه با رقبای منطقه‌ای آن در اروپا است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به مزیت‌ها و قابلیت‌های فرانسه در مقایسه با کشورهای موردنظر، نوعی رقابت‌پذیری وجود دارد که می‌تواند میزان قدرت اقتصادی فرانسه را با توجه به منابع و قابلیت‌های سایر کشورها در منطقه ترسیم کند. بر پایه این نتایج، مهم‌ترین مزیت‌های قدرت فرانسه در برابر رقبا (نروژ، بلژیک، کرواسی، چک، آلمان، دانمارک، فنلاند، گرجستان، ایتالیا، هلند، لهستان، پرتغال، صربستان، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، و انگلیس) از جمله ظرفیت نوآوری، صادرات فناوری سطح بالا، سطح فناوری علمی، جذب سرمایه‌های خارجی، و اقتصاد دانش‌محور به ترتیب، راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بوده‌اند و متغیرهایی مانند تریدها و نااطمینانی مردم از وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ساختار اقتصادی موجود، مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، و رشد کند اقتصادی، بادوام‌ترین مشکلات و مسائل فراروی قدرت اقتصادی فرانسه به‌شمار می‌آیند. میزان تسلط بر بازارهای جهانی و سهم در تجارت جهانی با امتیاز 4، شاخص جینی با امتیاز 3/9، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری خارج از مرز با امتیاز 3/7، پیچیدگی اقتصادی با امتیاز 3/6، و صادرات فناوری‌های سطح بالا با امتیاز 3/5، به ترتیب راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بوده‌اند. نتیجه مقایسه سطح رقابت فرانسه با رقبای اروپایی‌اش نشان می‌دهد که نروژ، انگلستان، آلمان، سوئد، و سوئیس، بالاترین سطح رقابت اقتصادی را با این کشور داشته‌اند.



Investigating the Competitive Advantage of French Economic Power in Europe

reyhane salehabadi⁴, sirus ahmadi nohadani⁵, sajed bahrami jaf⁶

Abstract

Measuring the level of power of countries and comparing them with each other is one of the topics studied in geopolitical knowledge. Geopolitical knowledge means the optimal use of geographical sources of power in relations between actors. Therefore, the main question of the research is how the economic power of France is compared to its regional competitors? To answer this question, the research method has been used descriptively-analytically and its purpose has been applied. The present study is conducted in two dimensions. In the first stage, the required information was studied through documentary study and libraries. Then, the goals, important strategies to achieve the goals and capabilities of France's economic power were entered into the Meta-SWOT software; Therefore, the purpose of this study is to examine the competitive advantage of French economic power compared to regional competitors in Europe. The results show that according to the advantages and capabilities of France in comparison with the countries in question, there is a kind of competitiveness that can depict the level of economic power of France according to the resources and capabilities of other countries in the region. The obtained results show that the most important advantages of France's power over competitors (Norway, Belgium, Croatia, Czech Republic, Germany, England, etc.) include innovation capacity, high-tech export, scientific technology level, investment attraction. Foreign and knowledge-based economies have been the most strategic resources and economic capabilities to become economic power, respectively. And variables such as doubts and uncertainty that people have about the social and economic situation, the existing economic structure,

4 PhD in Political Geography, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, Tehran, Iran

5 Assistant Professor of Political Geography, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, Tehran, Iran

6 PhD student in political geography, Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Literature and Humanities, Mashhad, Iran



controlling high unemployment rates, slow economic growth are considered to be the most persistent problem facing the economic power of France. Global market dominance, global trade share with 4 points, Gini index with 3.9 points, GDP and overseas investment with 3.7 points, economic complexity with 3.6 points, high-tech exports with 3.5 points, respectively, the most strategic France's economic resources and capabilities have been to become an economic power. The comparison of France's level of competition with other European competitors showed that Norway, the United Kingdom, Germany, Sweden and Switzerland had the highest level of economic competition with France.

Keywords: Competitiveness, Economic Power, Europe, France



۱۹۰

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقدمه

امروزه با افزایش اهمیت رویکردهای لیبرالیستی که اقتصاد را مهم‌ترین محور روابط بین‌الملل می‌دانند، توجه کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای قدرتمند، به بالا بردن توانایی‌های اقتصادی‌شان به‌منظور بهبود جایگاه سیاسی و ارتقای سطح بازیگری در مسائل جهانی نسبت به رقبای دیگر، افزایش یافته است. اقتصاد در همه ابعاد یک جامعه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و...) اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا، استقلال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر، و ثبات سیاسی آن، به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن جامعه بستگی دارد. همچنین، اقتصاد از حساسیت زیادی برخوردار است؛ به این معنا که یک تصمیم به‌جا و به‌موقع در زمینه امور اقتصادی می‌تواند جامعه‌ای را به‌سوی عظمت و ترقی بکشانند و در مقابل، یک تصمیم نسنجیده و حساب‌نشده موجب شکست، نه‌تنها در بعد اقتصادی، بلکه در بسیاری از زمینه‌ها خواهد شد. افزون‌براین، امروزه قدرت کشورها بر پایه درجه تخصص و پیشرفت آن‌ها در تولید کالاها و خدمات سنجیده می‌شود. در جهان امروز، دولت‌ها به‌جای درگیری و جنگ‌های خونین، از سیاست تحریم اقتصادی برای فشار آوردن به یکدیگر استفاده می‌کنند که تأثیر آن، به‌سرعت و طی چند ماه در نظام اقتصادی کشورها مشاهده می‌شود و بر زندگی میلیون‌ها نفر تأثیر می‌گذارد. برآوردها نشان می‌دهد که در آینده‌ای نزدیک و در ۲۰ سال آینده، قدرت اقتصادی تنها بین ۱۲ کشور دنیا توزیع خواهد شد و کشورهای دیگر برای تأمین نیازهای خود به‌شدت به آن‌ها وابسته خواهند بود. در این بین، بحث قدرت اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌شود.

درواقع، قدرت اقتصادی یک کشور با مفاهیم گوناگونی همراه بوده است که بحث رقابت اقتصادی، یکی از این موارد است. توسعه و رشد اقتصادی، یکی از ارکان بسیار مهم برای افزایش قدرت اقتصادی کشورها است. بنابراین، امروزه اقتصاد و سازوکارهای مرتبط با آن، تأثیر بسزایی بر قدرت کشورها دارد. با فروپاشی شوروی، نظام بین‌الملل دوقطبی نیز از بین رفت. هم‌زمان با این تحول عمده، زیرساخت‌های نظام بین‌الملل نیز تغییر کرد و فرایند جهانی شدن با عنوان حرکت آزاد سرمایه، کالا، خدمات، عقاید، و اندیشه‌ها بر پایه انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات، تعریف شد و از دهه ۱۹۹۰ به‌این‌سو، با سرعت بیشتری گسترش یافت. این نظام اقتصادی که اساساً بر پایه جهانی شدن اقتصاد بازار و تجارت آزاد شکل گرفته است، سیاست‌هایی مانند ضرورت آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، حاکمیت سازوکار قیمت، جذب سرمایه‌های خارجی، تجارت آزاد، و کنار گذاشتن نرخ مبادله ثابت را مطرح می‌کند؛ بنابراین، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که «رشد و توسعه اقتصادی چگونه رخ می‌دهد؟» «چه معیارهایی سبب رشد و توسعه اقتصادی، و توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی کشورها می‌شود؟» «راهبردهای رسیدن به این توسعه در چارچوب‌های زمانی گوناگون برای افزایش قدرت

اقتصادی، چگونه خواهد بود؟» احتمالاً هنگام بررسی این موضوع، جهانی را تصور می‌کنیم که مردم در آن دارای سطح بالایی از رفاه و آرامش هستند، به کالاهای لوکس دسترسی دارند، و از اوقات فراغت و سرگرمی مناسبی برخوردارند، جامعه به‌دور از هرگونه خشونت است، و تجمل‌پذیری جامعه در سطح بالایی است.

درحالی‌که باید به این موضوع توجه کنیم که قدرت اقتصادی، تنها با ارزیابی میزان درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی کشورها، به‌دست نمی‌آید. اگرچه درآمد و ثروت ملی، یکی از شاخص‌های قدرت اقتصادی است، اما نمی‌توان آن را تنها به عوامل درآمدی مرتبط دانست؛ بنابراین، قدرت اقتصادی، مفهومی چندبعدی و سیال و دارای ابعاد و زمینه‌ها و بسترهای گوناگونی است که یک کشور برای دستیابی به آن باید همهٔ موارد را در ارتباط با یکدیگر و در راستای هم‌درنظر داشته باشد تا بتواند راهبردها و نقشهٔ راه مناسبی را برای رسیدن به اهداف موردنظر و افزایش قدرت اقتصادی خود به‌گونه‌ای گسترده طراحی کند.

دراین‌بین، دانش ژئوپلیتیک به‌منظور طراحی مناسب‌ترین راهبرد برای رسیدن به اهداف موردنظر کشورها به‌کار گرفته می‌شود. درواقع، دانش ژئوپلیتیک، به‌معنای بهترین استفاده از منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات است. امروزه در مباحث ژئوپلیتیکی بر نوع استفاده از منابع جغرافیایی قدرت در روابط بازیگران تأکید می‌شود؛ به‌این‌معنا که امروزه دیگر تنها داشتن منابع جغرافیایی قدرت، به‌دلیل افزایش سطح قدرت و بازیگری سایر کشورها نمی‌تواند ملاک‌نهایی سنجش سطح قدرت کشورها باشد، بلکه در کنار داشتن منابع جغرافیایی، چگونگی استفاده و بهره‌برداری کشورها از این منابع نیز اهمیت بسیار زیادی دارد و تا حدود زیادی، سطح قدرت بازیگر نیز به‌توانایی استفادهٔ مناسب از این منابع قدرت بستگی دارد. امروزه ساختار ژئوپلیتیک جهانی که پس از فروپاشی شوروی، تک‌قطبی بوده است، دچار چالش شده و بازیگران پرشمار دیگری در سطح جهانی حضور پیدا کرده‌اند و درحال تغییر ساختار ژئوپلیتیکی جهان هستند. یکی از مهم‌ترین بازیگران فعال در ساختار ژئوپلیتیک جهانی، اتحادیه اروپا و به‌ویژه کشور فرانسه است. در این مقاله تلاش شده است میزان قدرت اقتصادی فرانسه در برابر رقبای منطقه‌ای این کشور بررسی شود. ظرفیت نوآوری، صادرات فناوری سطح بالا، سطح بالای فناوری علمی، جذب سرمایه‌های خارجی، و اقتصاد دانش‌محور، به‌ترتیب راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه برای تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی به‌شمار می‌آیند. درمقابل، متغیرهایی مانند تردیدها و نااطمینانی مردم در مورد وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ساختار اقتصادی موجود، عدم مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، و رشد کند اقتصادی، بادوام‌ترین مشکلات و مسائل پیش‌روی قدرت اقتصادی فرانسه محسوب می‌شوند. مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی سطح رقابتی بودن قدرت فرانسه در مقایسه با کشورهای نروژ، بلژیک، کرواسی، چک، آلمان، دانمارک، فنلاند، گرجستان، ایتالیا، هلند، لهستان، پرتغال، صربستان، اسلونی،



اسپانیا، سوئد، سوئیس، و انگلیس است. براین اساس، پرسش اصلی مقاله این است که: «مزیت رقابتی قدرت اقتصادی فرانسه در مقایسه با رقبای منطقه‌ای آن (نروژ، بلژیک، کرواسی، چک، آلمان، دانمارک، فنلاند، گرجستان، ایتالیا، هلند، لهستان، پرتغال، صربستان، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس و انگلیس) چگونه است؟» در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح شده است که «فرانسه که جزو امپراتوری‌های قدرتمند اروپا بوده است، امروزه نیز به دلیل جایگاه سیاسی خود در اروپا و جهان، نسبت به برخی کشورهای دیگر اروپایی مانند سوئد، سوئیس، و... از قدرت اقتصادی بالاتری برخوردار است».

۱. پیشینه پژوهش

سلطانی فرد (1397) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی سیاستی بر محیط توسعه همکاری‌های تجاری-اقتصادی میان ایران و فرانسه» تأکید می‌کند که مشارکت‌های اقتصادی میان ایران و فرانسه در حوزه‌های پیشنهادی این پژوهش، می‌تواند با ایجاد ارزش‌های مشترک (اشتغال، ثروت، و...)، منافع فرانسه را به ایران نزدیک و چه بسا فرانسه را تا حد چشمگیری به ایران وابسته کند که با توجه به اهمیت سیاسی ایران و حضور فرانسه در اتحادیه اروپا و شورای امنیت از زاویه پدافند غیرعامل اقتصادی نیز در راستای امنیت ملی قابل ارزیابی است.

شیرازی (1390) در مقاله‌ای با عنوان «بحران اقتصادی و اجتماعی اروپا در هزاره سوم: انگلستان، فرانسه، و آلمان» بیان می‌کند که سه کشور انگلیس، فرانسه، و آلمان به لحاظ اقتصادی نسبت به کشورهای دیگر اروپایی در جایگاه برتری قرار دارند؛ هرچند این کشورها به دلیل حجم گسترده روابط با آمریکا، از بحران‌های مالی گذشته تأثیر پذیرفته‌اند، اما از همان ابتدا سیاست‌هایی را به گونه‌ای جداگانه، مشترک، و حتی در قالب گروه 20 کشور صنعتی جهان، اجرا کرده‌اند که آثار مثبتی داشته است و روند بهبود نسبی اوضاع اقتصادی آن‌ها، همچنان ادامه دارد.

مگالهایس^۷ (2018) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد فرانسه (1830-2015)» روند طولانی مدت و الگوهای فرانسه برای استفاده از مواد را برای یک دوره 185 ساله بررسی کرده است. این نخستین مطالعه انجام شده درباره جریان مواد در فرانسه در یک دوره طولانی و بر پایه داده‌های ملی و سالانه است. تجزیه و تحلیل جریان مواد (MFA) در این مقاله به طور کامل با استانداردهای فعلی وزارت امور خارجه مطابقت دارد و استخراج، واردات، و صادرات مواد داخلی را دربر می‌گیرد. مقاله یادشده با بررسی تحول متابولیسم فرانسه از صنعتی شدن به سرمایه‌داری مالی، به این نتیجه رسیده است که مصرف مواد خانگی در این دوره 9 برابر افزایش یافته است و همچنین، فرانسه شاهد افزایش سرانه استفاده از مواد و رشد چشمگیر منابع (سوخت‌های فسیلی و مواد معدنی) و مواد بیوتیک بوده است. این مقاله با استفاده از یک چارچوب بوم‌شناختی جهانی، مسیر

7. Magalhães

متابولیکی خاصی را نشان داده و تأکید کرده است که فرانسه کشوری است که از نظام‌های جهانی پی‌درپی برای توسعه اقتصادی خود از طریق واردات گسترده مواد بهره‌مند می‌شود. روسینگ^۸ (2017) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد فرانسه، مقامات اروپایی و صندوق بین‌المللی پول: اصلاح ساختار یا افزایش اشتغال؟» بیان می‌کند که اقتصاد فرانسه می‌تواند بر بیکاری گسترده غلبه کند و پیشرفت بیشتری داشته باشد. یک دیدگاه درباره بیکاری و رکود اقتصادی در دهه گذشته وجود داشت که به شدت بر ساختار اقتصادی آن تأثیر گذاشت. به نظر می‌رسد، این دیدگاه دولت فعلی فرانسه و همچنین، دیدگاه غالب مقامات اروپایی، از جمله بانک مرکزی اروپا، کمیسیون اروپا، و صندوق بین‌المللی پول باشد که روند رشد و توسعه اقتصادی فرانسه را بهبود می‌بخشد.

داموس^۹ (2020) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های اقتصادی در فرانسه در دوره شکوفایی» تأکید کرده است که حاکمان فرانسه، مشکلات زیادی در حوزه اقتصاد داشته و از قدرت سیاسی کافی برای حل آن‌ها برخوردار نبودند؛ از این رو، وابستگی نسبتاً زیادی به حضور بازرگانان و نیز در مشاغل خود داشتند و آماده بودند که امتیازات فراوانی برای آن‌ها قائل شوند. با این حال، و نیزی‌ها با این حضور اهداف بسیاری را دنبال می‌کردند؛ به این معنا که هدف آن تنها اتحاد اقتصادی، نظامی، یا امور محدود دیگر نبود. سیاستی که شاید جزئیات بیشتر آن در نامه شرکت فرانسوی اوترمر گنجانده شده بود. افزون بر این، سیاست یادشده دارای مفهوم اقتصادی و مذهبی بسیار مهمی بود؛ زیرا، مسیحی شدن منطقه بخشی از اهداف آن بود. نکته مهم دیگر در این باره این است که حاکمان فرانسوی در راستای گسترش روابط اقتصادی خود، در صدد گسترش روابط متقابل با مسلمانان بودند.

آندرا (2020) در مقاله‌ای با عنوان «ظهور قدرت مدرن: حکومت بر احساسات در تجارت فرانسه» پس از بررسی دقیق متون اخلاق‌گرایان فرانسوی نشان داده است که چگونه آن‌ها با تأثیرپذیری از یانسنیسم، منطق نوستوئیک را برعکس کرده و یک قانون احساسی جدید را برای دولت ارائه کرده‌اند: «عشق به خود». بر پایه این ایده، تجارت انحصاری در بازار می‌تواند موجب صلح اجتماعی و پیشرفت مادی شود.

متیو (2020) در مقاله‌ای با عنوان «قدرت و ارز: آیا یورو قدرت پولی دولت فرانسه را بهبود بخشد؟» بر این نکته تأکید کرده است که از جنبه اقتصاد کلان، قدرت پولی از طریق تراز پرداخت‌ها عمل می‌کند. مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، قدرت و انحراف در تنظیم تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد (یا کاهش می‌دهد): متغیرهای مالی، حساسیت و آسیب‌پذیری اقتصاد، و جایگاه بین‌المللی واحد پول کشور. این مقاله پس از بررسی تأثیر اتحادیه پولی بر فرانسه به سه



نتیجه رسیده است؛ نخست اینکه، جایگاه بین‌المللی یورو، قدرت دولت فرانسه را افزایش داد. دوم اینکه، دولت آلمان بر پایه فلسفه لیبرال، قوانین بازی را در داخل اتحادیه پول تعیین می‌کند. سوم اینکه، ساختار اقتصادی آلمان در مقایسه با فرانسه یک مزیت ایجاد کرد که منجر به تغییر وضعیت اقتصادی فرانسه شد. در نتیجه، دولت فرانسه ظرفیت خود را برای اجرای سیاست‌های اقتصادی کلان خود از دست داده، نسبت به آلمان وابسته به پول شده و در نتیجه، قدرت پولی ضعیفی داشته است.

توروردت^۱ (2021) در مقاله‌ای با عنوان «ردپای اقتصادی یک سازمان تحقیق و فناوری فرانسه در اروپا: رمزگشایی از یک الگوی ساده و ارزیابی نتایج» نشان داده است که اروپا در سال‌های اخیر، توجه بیشتری به سازمان‌های تحقیق و فناوری (RTO) داشته است. این اقدام با توجه به اینکه مأموریت اصلی آن‌ها، مهار علم و فناوری در راستای پرورش نوآوری و در نتیجه، بهبود کیفیت زندگی و تقویت رقابت اقتصادی است، شگفت‌آور نیست. در شرایط اقتصادی فعلی، نشان دادن تأثیر مثبت فعالیت‌های آن‌ها بر اقتصاد و جامعه، یعنی بخش‌های مختلف، با توجه به اینکه یارانه عمومی دریافت می‌کنند، نکته‌ای کلیدی است. بر این اساس، انجمن سازمان‌های تحقیق و فناوری اروپا (EARTO) در مارس 2018 با انتشار گزارشی، جزئیات حضور و فعالیت اقتصادی 9 عضو را مطرح کرد که کمیسیون انرژی‌های جایگزین و انرژی اتمی فرانسه (CEA) را نیز دربر می‌گیرد. این سازمان فرانسوی که بودجه آن، 60 درصد کل بودجه از هر 9 RTO است، را به خود اختصاص داده است. این مقاله به ارائه نتایج تجربی درباره CEA می‌پردازد و مقایسه‌ای را با نتایج به‌دست‌آمده برای 9 RTO با استفاده از همین روش انجام می‌دهد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده، قدرت اقتصادی کشورهای قاره سبز در ارتباط با یکدیگر بررسی شده و بعد مزیت رقابتی آن‌ها با بررسی ظرفیت‌ها، اهداف، منابع، و ... انجام نشده است؛ از این رو، پژوهش حاضر، دارای نوآوری است.

۲. روش پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و هدف آن، کاربردی است. پژوهش پیش‌رو در دو بخش انجام شده است؛ در بخش نخست، داده‌های پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای از جمله اسناد مربوط به توسعه اقتصادی و مقاله‌های مرتبط با موضوع پژوهش، گردآوری شدند، و در مرحله دوم، ابتدا اهداف و راهکارهای دستیابی به قابلیت‌ها و شکوفایی استعدادها، حوزه اقتصادی تبیین و وارد نرم‌افزار مورد استفاده در پژوهش شد. پس از تکمیل بخش نخست و تبیین شاخص‌های مورد استفاده، دیدگاه‌های کارشناسان درباره میزان اهمیت (بارزش بودن)،

نایاب بودن، تقلیدناپذیر بودن، و قابلیت سازمان‌دهی توانایی‌های موجود در کشور نسبت به رقبای مطرح‌شده در این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه (به دلیل تخصصی بودن پرسش‌نامه، نمونه‌گیری پژوهش به روش هدفمند بوده و در آن از دیدگاه‌های 18 نفر از کارشناسان اقتصادی و سایر رقبا بهره گرفته شد) پرسیده شد، و همچنین، نقش عوامل کلانی که در مقیاس بزرگ‌تری از محدوده کشور واقع شده‌اند را در ایجاد قابلیت‌های موجود، به پرسش گذاشتیم و پس از تکمیل شدن پرسش‌نامه‌ها، نتایج را وارد نرم‌افزار Meta-SWOT کرده و نتایج رقابتی را به دست آوردیم.

۳. چارچوب نظری پژوهش

در این بخش، چارچوب نظری پژوهش که مبتنی بر واکاوی مفهوم قدرت، قدرت اقتصادی، رقابت قدرت و رقابت اقتصادی، و اقتصاد اتحادیه اروپا و فرانسه است، توضیح داده شده است.

۱-۳. قدرت اقتصادی

مکتب نواقع‌گرایی، دلیل و انگیزه بقا در آنارشی را محرک دولت‌ها برای بالا بردن میزان قدرت خود می‌داند؛ زیرا، نظام بین‌المللی به‌عنوان یک ساختار آنارشیک شناخته می‌شود. آنارشی به این معنا است که نظام بین‌الملل، فاقد یک قدرت مرکزی مشروع است که دولت‌ها قادر باشند هنگام رویارویی با خطرات احتمالی از سوی دیگران، از آن استفاده کنند (هدایتی، 1398، 79). حاکمیت، نیازمند ایجاد نهادهایی است که دربرگیرنده قوانین، قواعد، هنجارها، اصول، و رویه‌های تصمیم‌گیری باشد تا از این طریق بتواند به اهداف و راه‌حل‌های جمعی دست پیدا کند (Smith, 2009, 15). به‌طورکلی، قدرت، مفهومی سیال و نسبی است و این امر سبب شده است که تعریف آن پیچیده باشد و با توجه به شرایط زمانی و مکانی متناسب با آن تعریف شود (Smith, 2010, 7)؛ به‌عنوان مثال، لوکز بر این نظر است که قدرت به معنای توانایی تصمیم‌گیری است که افراد بر مبنای قابلیت‌هایشان (قدرت و ادراک کردن اشخاص دیگر به انجام کار موردنظر) دستورکاری را تعیین می‌کنند که در آن ترجیحات خود را برای تصمیم‌گیری مبنا قرار می‌دهند (Lukes, 1974, 54). بارنت دوال نیز قدرت را به چهار نوع تقسیم می‌کند (Barnett, 2005, 15): قدرت اجباری که به معنای تعامل با دیگران در راستای کنترل مستقیم دیگری و سرانجام، تشدید اعمالی علیه دیگرانی است که کار موردنظر را انجام نمی‌دهند. این بعد از قدرت به قدرت نظامی قابل‌تعبیر است؛ قدرت نهادی که به معنای کنترل غیرمستقیم یک بازیگر از طریق طراحی نهاد‌های بین‌المللی به نفع خود است. این بعد از قدرت نیز به‌عنوان قدرت سیاسی قابل‌بررسی است؛ قدرت ساختاری که با قانون اساسی و کلی بازیگران مرتبط بوده و نقش‌هایی مانند تأثیرگذاری بر اقتصاد جهانی و سرمایه‌داری و موقعیت اجتماعی در بازار کار و سرمایه را دربر می‌گیرد. این چارچوب ساختاری، توانایی بازیگران را برای تغییر شرایط در نظر می‌گیرد و به‌عنوان قدرت ایدئولوژیک نیز شناخته می‌شود.



قدرت تولید، به معنای توانایی یک بازیگر برای کنترل دیگری از طریق مالکیت و بهره‌برداری از توان توزیع منابع و دارایی‌هاست؛ براین اساس، افرادی که قدرت تولیدی بیشتری دارند و از آزادی بیشتری برای بهره‌برداری از آن برخوردارند، می‌توانند به نفع خود عمل کنند. تعداد اندکی از اقتصاددانان درباره مفهوم قدرت و معیارهای جابه‌جایی، اندازه‌گیری، و تعمیم میزان قدرت کشورها نوشته‌اند؛ زیرا بسیاری از آن‌ها بر این نظرند که قدرت، موضوع بحث اندیشمندان سیاسی است. با این حال، پژوهشگران روابط بین‌الملل از قدرت اقتصادی کشورها به عنوان عاملی تأثیرگذار بر روابط بین‌الملل یاد کرده‌اند (Payne, 2016, 16). سیمون (1953) و دهل (1957) تأکید کرده‌اند که قدرت اقتصادی، دارای ابعاد گوناگونی است که تقویت‌کننده اندازه نسبی، فعلی و آینده اقتصاد یک کشور هستند؛ قدرتی که می‌تواند به گونه‌ای یکجانبه و بر پایه اندازه بازار اعمال شود (Simon, 1953, 69; Dahl, 1957) و کشورها و گروه‌های موجود در یک فضای سرزمینی و حتی فراتر از مرزهای سرزمینی را ترغیب به اقدام در راستای اهداف مورد نظرشان کند؛ به عنوان مثال، می‌توان به تهدید محدود کردن دسترسی به بازار از طریق ایجاد موانع تجاری اشاره کرد که به عنوان یک سیاست سخت‌گیرانه در مورد سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی شناخته می‌شود. دومین عنصر قدرت اقتصادی، در تمایلات افراد و کشورها بازتاب یافته است که برای همکاری با یکدیگر به توافق‌های مشترک یا از طریق این توافق‌ها به ائتلاف‌های جهانی می‌پیوندند تا بتوانند به رشد اقتصادی و در نتیجه، قدرت اقتصادی دست یابند. این برداشت از قدرت اقتصادی در نظریه‌های کلان‌شاپلی (1953) و مفاهیم ارزش بنزاف (1966) دیده می‌شود که بر این نظرند که برای اندازه‌گیری قدرت اقتصادی باید به مفاهیم ارزشی کلان و مشترک بین کشورها توجه کرد (Banzhaf, 1966, 312, Shapley, 1953, 16). بعد سوم قدرت اقتصادی، بیانگر قدرت نرم و بهره‌گیری از اقتناع و استدلال فلسفی برای تأثیرگذاری بر رقبای به‌منظور ترغیب آن‌ها به همسویی با منافع خود است و برای داشتن قدرت در این بعد باید از حد مناسبی از مشروعیت برخوردار بود. در این بین، پذیرش استدلال‌های فکری از سوی رقیب می‌تواند به معنای پذیرش و موافقت با گسترش حوزه نفوذ یک کشور باشد. عوامل گوناگونی به عنوان مؤلفه‌های قدرت اقتصادی شناخته می‌شوند که برخی از آن‌ها عبارتند از: افزایش مهارت نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی (Craft, 2008)، بهره‌وری و آموزش (Petraikos et al., 2007, 8)، و نوآوری (Ulku, 2004, 3). در پژوهش حاضر، موضوع قدرت اقتصادی بر مبنای عوامل ساختاری و زیربنایی، منابع مالی و سرمایه‌گذاری تأثیرگذار بر اقتصاد، و عامل فناوری بر مبنای رساله‌ای با عنوان «بهینه‌سازی قدرت ملی کشورها» بررسی شده است.

۲-۳. رقابت اقتصادی

در دوره کنونی، اقتصاد جهانی سبب شده است که بسیاری از مرزهای ملی کم‌رنگ‌تر شده

و کشورها به سوی منابع اقتصادی فراتر از سرزمین‌های تحت حاکمیت خود حرکت کنند (Mehra, 2003, 908). با این حال، توجه به موضوع قابلیت‌های منطقه‌ای در چارچوب فضایی و در راستای رقابت و تعاملات اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار شده است (Grabher, 1993, 14). در این میان، رشد اقتصادی کشورها، چارچوب مهمی برای توسعه سرزمینی به‌شمار می‌آید. محور اصلی این استدلال، این است که تلاش برای توسعه و رشد اقتصادی، سبب نوآوری در نتیجه شرایط خاص سرزمینی، اجتماعی، و فرهنگی می‌شود و همین عامل می‌تواند زمینه‌ساز رقابت اقتصادی کشورها در یک منطقه ژئوپلیتیکی شود (Geenhuizen & Nijkamp, 2000, 44; Nonaka et al., 1991, 99).

بر این اساس، در طول بیست سال گذشته، شواهدی مبنی بر کارآمدی اقتصادی برای افزایش رقابت‌پذیری کشورها در راستای توسعه و پیشرفت در عرصه ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی مشاهده شده است. نتایج پژوهش‌های صاحب‌نظران نشان می‌دهد که مزیت رقابت اقتصادی سبب افزایش چشمگیر پیشرفت اقتصادی، کارایی اقتصادی، و به‌ویژه بهبود بهره‌وری برای تولید و ایجاد انگیزه‌های نوآورانه شده است (Evenett, 2005, 15). گفتمان اقتصاد مبتنی بر رقابت، دارای چارچوب‌های قانونی قابل توجهی است که بر پایه نظریه‌های نئوکلاسیک، منبع خارجی اقتدار به‌شمار می‌آید. رقابت، بیش از هر زمینه حقوقی دیگری، با اقتصاد ارتباط دارد؛ زیرا، این موضوع نشان‌دهنده تلاش در راستای دستیابی به روش‌های علمی برای افزایش رقابت‌پذیری، مراجع نظارتی، گسترش قدرت نرم کشورها، و افزایش حوزه نفوذ آنها است. ویژگی مشترک در بحث رقابت اقتصادی، تأکید بر یک تحلیل می‌باشد که عمدتاً بر تأثیرات رفاهی متکی بوده و روش‌های تجاری مبتنی بر رفتارهای خاص مصرف‌کنندگان را بررسی کرده و در نهایت، گسترش بهره‌وری اقتصادی را مد نظر قرار داده است (Lianos, 2007, 12).

به‌عنوان مثال، نیکل (1996) بیان می‌کند که شرکت‌های انگلیسی برای افزایش بهره‌وری به گونه‌ای مستقیم تحت تأثیر عامل رقابت هستند. وی رقابت بین کشورها را با توجه به میزان سود شرکت‌ها اندازه‌گیری کرده است. برآوردهای او نشان می‌دهد که رشد بنگاه‌ها در صدک 80 و بنگاه‌ها در صدک 20 دارای سود چشمگیری است که نشان‌دهنده وجود مشوق‌های کافی برای کنترل هزینه و بهبود بهره‌وری در طول زمان است (Nickell, 1996, 728).

آهن (2002) نیز تأکید کرده است که بین رقابت اقتصادی و نوآوری، نوعی ارتباط مستقیم وجود دارد که سبب افزایش کارآمدی اقتصاد کشورها در طول زمان می‌شود (Ahn, 2002, 5). با این حال، او بر این نظر است که این کار در بسیاری از مناطق جهان، به گونه‌ای ناقص یا با روش‌هایی که سبب اقدامات سوداگرانه می‌شود، انجام می‌شود. افزون‌بر این، می‌توان گفت، شکاف‌های اقتصادی بین مناطق، منعکس‌کننده تفاوت‌های موجود در توانایی آنها و واحدهای تولیدی فعال در نظام‌های منطقه‌ای است (Fagerberg & Verspagen, 1996).



از این رو، مسئله رقابت اقتصادی می‌تواند به گونه‌ای مستقیم نشان‌دهنده این نوع شکاف بین کشورهای مختلف یک منطقه باشد؛ زیرا، تجمع فناوری در راستای توسعه و رشد اقتصادی در سطح محلی، منطقه‌ای، و جهانی نمایانگر شدت تمرکز و میزان رقابت‌پذیری آن‌ها در یک منطقه است (Evangelista et al., 2001, 734).

۳-۳. اقتصاد اروپا

اروپا، متشکل از 50 کشور مختلف با مجموع 744 میلیون نفر جمعیت است. تفاوت ثروت کشورهای اروپایی تقریباً از دوره جنگ سرد و با ایجاد کشورهای هم‌چون یونان، لهستان، رومانی، اسلوانی، و چک افزایش یافت؛ هرچند بسیاری از آن‌ها از سرانه تولید ناخالص داخلی بالاتر از میانگین جهانی برخوردارند (نروژ، هلند، سوئیس و انگلستان). برخی از اقتصادهای اروپایی با وجود موقعیت برتر خود نسبت به میانگین جهانی، در شاخص توسعه انسانی، فقیرتر از دیگران هستند. اروپا در حوزه بانک‌داری بیش از 50 تریلیون دلار دارایی دارد و حجم دارایی آن بیش از 20 تریلیون دلار است. بزرگ‌ترین اقتصادهای اروپا با توجه به تولید ناخالص داخلی، عبارتند از: آلمان (3/9 تریلیون دلار)، انگلستان (2/7 تریلیون دلار)، فرانسه (2/7 تریلیون دلار)، ایتالیا (2/0 تریلیون دلار)، اسپانیا (1/4 تریلیون دلار) است (Blake, 2021, 56). سایر اقتصادهای بزرگ اروپایی عبارتند از: هلند، سوئیس، لهستان، سوئد، بلژیک، اتریش، نروژ، ایرلند، و دانمارک (16 تریلیون دلار) که حدود 2/3 درصد از تولید ناخالص داخلی اروپا را دربر می‌گیرد. اتحادیه اروپا، دومین اقتصاد ثروتمند جهان پس از ایالات متحده آمریکاست. در سال 2010 از میان 500 شرکت فعال بزرگ حدود 184 شرکت در اروپا فعالیت داشته‌اند (Moret, 2020, 1). 154). در سال 2010 مانوئل کاستلز، جامعه‌شناس اسپانیایی بیان کرد، اروپای غربی همچنان دارای بالاترین سطح زندگی در تاریخ جهان است (Castells, 2010, 14). سیاست رقابت اقتصادی این واقعیت را توجیه می‌کند که بازارهای کاملاً رقابتی دارای بهترین تخصیص منابع و امکانات از منظر قیمت، کیفیت، و نوآوری برای مصرف‌کنندگان هستند.

به‌طور خاص، عملکرد مناسب و رقابتی اقتصاد سبب می‌شود که شرکت‌های ناکارآمد یا ضعیف به‌لحاظ فناوری و نوآوری از بین بروند و میزان جذب سرمایه و توسعه بخش‌های اقتصادی دیگر، کارآمدتر شود (Vé rtesy, 2018, 5). در واقع، چنین مواردی در سیاست رقابتی، سبب بهبود عملکرد اقتصادی بازارهای مالی می‌شوند (Jean, 2019, 9). بر این اساس، سیاست رقابت اقتصادی در اروپا بر دو پایه استوار است: نخست، دکترین حمایت از مصرف‌کنندگان اروپایی و استقلال آشکار در کاربرد آن از سوی کمیسیون که بی‌طرفی آن تضمین شده است و از امتیاز اعتماد کشورهای عضو به تصمیم‌هایش برخوردار است. این سیاست، به‌عنوان عاملی مهم

شناخته می‌شود که مانع دستیابی کشورهای اروپایی به اهداف راهبردی شان می‌شود (Silva, 2020, 5)؛ به‌عنوان مثال، کاهش قیمت‌ها در اروپا، در بسیاری از موارد، نتیجه سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر کسب مزیت رقابتی است. در سال 2011 در فرانسه قیمت‌ها در کمتر از یک سال 40 درصد کاهش یافت (BEREC, 2018, 119). مواردی مانند توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییرات ساختاری در اقتصاد به‌ویژه نقش فزاینده خدمات در تولید ناخالص داخلی و اشتغال، تأثیرات بازار واحد اروپا (گات^۱)، سیاست کلان با هدف تحقق معیارهای اقتصادی و پولی، معرفی یورو و پیامدهای سیاست پولی مشترک بین کشورهای اروپایی و ترکیدن حباب بورس اوراق بهادار نیویورک (2001) پس از بحران املاک و مستغلات، و بحران بدهی‌های مالی و اقتصادی (2008)، بیشترین تأثیر را بر قدرت اقتصادی کشورهای اروپایی داشته است. عوامل یادشده و تغییر شرایط فعالیت اقتصادی، سبب افزایش قدرت اقتصادی این کشورها در سطح منطقه‌ای و جهانی شده است (MUCHA-LESZKO, 2016, 28).

۳-۴. اقتصاد فرانسه

برپایه گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال 2018، فرانسه با تولید ناخالص داخلی 42/878 برای هر نفر به‌عنوان یکی از کشورهای ثروتمند جهان به‌شمار می‌آید (European Commission, 2020, 5). همچنین، فرانسه در سال 2018 با کسب رتبه 0/891 در فهرست توسعه انسانی به‌عنوان یکی از کشورهای دارای پیشرفت انسانی بالا شناخته شده است و بیست‌ویکمین کشور در درک شاخص فساد بوده است (Corruption Perceptions Index, 2018, 34; Human Development Index, 2018, 10). همچنین، این کشور به‌عنوان یکی از قدرتمندترین دریاچه‌ها که دارای کانتینرها و میزان صادرات و واردات بالایی در سطح جهانی است، شناخته می‌شود (سلطانی، 1399، 88)؛ اما یکی از مشکلات این کشور، نرخ بالای بیکاری است که اقتصاددانان کینزی در پی راهکارهایی برای حل مسئله بیکاری در فرانسه بوده‌اند و نظریه‌هایشان سبب وضع قانون 35 ساعت کار در طول هفته در سال 1999 شد. دولت، بین سال‌های 2004 تا 2008 اصلاحاتی را در حوزه عرضه نیروی کار انجام داد تا از این طریق با بیکاری مبارزه کند (Marie, 2019, 18).

دولت سارکوزی برای جبران پیامدهای منفی بیکاری، مزایایی را برای مشاغلی که درآمدزایی کافی ندارند، ایجاد کرد. نرخ اشتغال فرانسه در پایین‌ترین میزان در اروپا است؛ به‌گونه‌ای که در سال 2012 تنها 71 درصد از جمعیت بین 65-15 ساله این کشور دارای شغل بودند؛ در حالی که این میزان در انگلیس و آلمان، 77 درصد بود (OECD, 2012, 15). رقابت اقتصادی فرانسه با کشورهای دیگر اروپایی، بیشتر در راستای حضور گسترده در بازارهای بین‌المللی است. این عامل را می‌توان در تراز خالص صادرات فرانسه در مقایسه با کشورهای دیگر اروپایی مشاهده



۲۰۰

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین‌الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

کرد که نشان‌دهنده تمایل بیشتر فرانسه به صادرات به کشورهای اتحادیه اروپا در مقایسه با بازارهای بین‌المللی است. این شرایط از سال 2006 به این سو به آرامی تغییر کرده است، ولی همچنان تجارت فرانسه بیشتر در قاره اروپا متمرکز است (Quick 2015, 18). افزون‌براین، در طول دهه گذشته، زیان بازار صادرات فرانسه بیشتر از کشورهای دیگر منطقه یورو بوده است. به‌ویژه رشد صادرات فرانسه در مقایسه با بازارهای صادراتی این کشور پیش از بحران مالی سال 2008 نسبتاً کند بوده است. دستمزد در فرانسه سریع‌تر از بهره‌وری نیروی کار افزایش یافته است و رشد هزینه واحد کار از نرخ آلمان بسیار فراتر رفته است. این روند بیشتر به تحولات ایجادشده در بخش‌های اقتصادی، که بخشی از رقابت جهانی است، مربوط می‌شود. افزایش رقابت سبب شده است که ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری، اشتغال، عدالت، و رفاه در فرانسه دستخوش تغییراتی شود (OECD, 2015, 24). در مقاله حاضر، رویه فرانسه در راستای توسعه و پیشرفت را در مقایسه با قدرت‌های اقتصادی دیگر اروپا بررسی کرده‌ایم؛ بنابراین، ابتدا لازم است که اهداف و منابع و قابلیت‌های فرانسه در مقایسه با کشورهای دیگر منطقه بررسی شود تا از این طریق بتوان به درک مناسبی از توانایی رقابتی این کشور با کشورهای دیگر دست یافت.

۳-۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش برای بررسی سطح رقابت قدرت اقتصادی کشور فرانسه از نرم‌افزار متاسوات بهره گرفته‌ایم. به این ترتیب، در ادامه، اقتصاد فرانسه و کشورهای دیگر را در 8 مرحله به شکل‌های گوناگونی بررسی کرده‌ایم.

۳-۵-۱. تعیین اهداف

در مرحله نخست برنامه‌ریزی بر پایه Meta-SWOT، شناسایی اهداف توسعه اقتصادی در افق زمانی مشخص شده و اولویت‌بندی آن‌ها در قالب سه سطح بالا، متوسط و پایین‌تر پایه دیدگاه‌های کارشناسان پژوهش است (جدول شماره 1). در واقع، گام نخست برای هرگونه برنامه‌ریزی در هر سطحی، مشخص کردن اهداف برنامه‌ریزی است (اینکه قصد داریم در افق زمانی مشخص شده به چه چیزهای دست یابیم). بر این اساس، در نخستین مرحله از برنامه‌ریزی متاسوات، 18 هدف مهم اقتصادی‌ای که فرانسه باید برای دستیابی به آن‌ها تلاش کند، مشخص شده است. بر پایه دیدگاه‌های کارشناسان، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (کاهش سطح فقر)، افزایش سطح اشتغال، افزایش عدالت اجتماعی، تمرکز بر آزادسازی اقتصادی، تمرکز بر توانمندی اقتصادی شهروندان، شناساندن سرمایه‌های نمادین، گسترش گردشگری بین‌المللی، حمایت از صنایع کوچک و متوسط، تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی، ایجاد مزیت نسبی در تولید و صدور کالاهای صنعتی در سطح بین‌المللی، افزایش سطح کارایی ساختارهای داخلی اقتصاد، رشد سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش مشارکت مردم در تولید، افزایش بهره‌وری، حمایت از فعالیت‌های دانش‌بنیان، گسترش تولیدات کشاورزی، تضمین



پایداری زیست‌محیطی، ترویج برابری جنسیتی، و توانمندسازی زنان، مهم‌ترین اهداف فرانسه از برنامه‌ریزی برای توسعه قدرت اقتصادی بوده‌اند و امتیازدهی به هریک از اهداف یادشده، بر پایه اولویت‌ها و توانایی‌های اقتصادی فرانسه، طیفی از اولویت‌های بالا تا پایین را دربر می‌گیرد. نتایج دیدگاه‌های کارشناسان نشان می‌دهد که در میان اهداف مشخص شده، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (کاهش سطح فقر)، افزایش سطح اشتغال، تمرکز بر توانمندی اقتصادی شهروندان، گسترش گردشگری بین‌المللی، رشد سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش بهره‌وری، و حمایت از فعالیت‌های دانش‌بنیان به دلیل اهمیت اقتصادی آن‌ها، از مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف اقتصادی فرانسه بوده‌اند.

جدول شماره (۱). اهداف توسعه اقتصادی

اولویت	اهداف
بالا	افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (کاهش سطح فقر)
بالا	ایجاد اشتغال
متوسط	افزایش عدالت اجتماعی
متوسط	تمرکز بر آزادسازی اقتصادی
بالا	تمرکز بر توانمندی افراد جامعه
بالا	شناساندن سرمایه‌های نمادین
بالا	گسترش گردشگری بین‌المللی
بالا	حمایت از صنایع کوچک و متوسط
متوسط	تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی
متوسط	ایجاد مزیت نسبی در تولید و صدور کالاهای صنعتی در سطح بین‌المللی
بالا	افزایش سطح کارایی ساختارهای داخلی اقتصاد
بالا	رشد سرمایه‌گذاری خارجی
بالا	افزایش مشارکت مردم در تولید
بالا	افزایش بهره‌وری
بالا	حمایت از فعالیت‌های دانش‌بنیان
متوسط	گسترش تولیدات کشاورزی
متوسط	تضمین پایداری زیست‌محیطی
متوسط	ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان

Source: Hafez Nia and Saleh Abadi, 2019



۲-۵-۳. شناسایی منابع و قابلیت‌ها

پس از شناسایی اهداف و اولویت‌های آن، ابزار و منابع و توانایی‌های موجود در کشور که رسیدن به اهداف تعیین شده را امکان‌پذیر می‌کنند، نیز مشخص و ارزش آن‌ها یا به عبارتی میزان اهمیت و تأثیر این قابلیت‌ها در رسیدن به اهداف یادشده، از نظر کارشناسان، امتیازی دریافت می‌کند که باید در پایان، جمع تمام امتیازهای داده شده، به 100 درصد برسد. به بیان روشن‌تر، در این مرحله، قابلیت‌ها و توانایی‌هایی مشخص شده‌اند که می‌توانند فرانسه را به اهداف اقتصادی مطرح شده در افق زمانی 2030 برسانند. در این میان، برخی از توانایی‌ها به دلیل شرایط، مناسب شناخته شده و کسب آن‌ها از امتیاز و ارزش بالاتری برای کمک به قدرت اقتصادی کشور برخوردارند. در واقع، تعیین ارزش این توانایی‌ها، به معنای این است که هر یک از این قابلیت‌ها چه جایگاهی دارند و تا چه حد می‌توانند سطح رقابت اقتصادی کشور را در مقایسه با سایر رقبای منطقه‌ای فرانسه، بالا ببرند. در این بخش، 18 منبع و توانایی قابل اتکا که دارای طیفی از ارزش‌های گوناگون از 1 تا 9 بوده‌اند، تعیین شده‌اند. مهم‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه که یاریگر این کشور برای رسیدن به اهداف اقتصادی یادشده هستند، عبارتند از: بهره‌وری نیروی کار، صادرات فناوری سطح بالا، ذخایر ارزی بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارج از مرزها، و سهم در تجارت جهانی؛ در واقع، این مؤلفه‌ها که در میان توانایی‌های اقتصادی فرانسه از وزن و اهمیت بالاتری برخوردار بوده‌اند، اصلی‌ترین قابلیت‌های اقتصادی این کشور برای رقابت با رقبای منطقه‌ای آن به‌شمار می‌آیند.

جدول شماره (۲). منابع و قابلیت‌ها

وزن (ارزش)	منابع و قابلیت‌ها
4	پس‌انداز ملی از تولید ناخالص داخلی
3	تحرک کسب و کار
6	زیرساخت‌های اقتصادی
8	بهره‌وری نیروی کار
6	سطح فناوری
6	صادرات کالاهای ICT کل کالاهای صادراتی
5	میزان تسلط بر بازارهای جهانی
4	سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی
4	شاخص جینی (Gini)
4	سهم در انرژی جهانی
8	صادرات فناوری سطح بالا

5	تولید ناخالص داخلی
6	سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی
7	ذخایر ارزی بین‌المللی
7	سرمایه‌گذاری خارج از مرز
7	سهم در تجارت جهانی
5	پیچیدگی اقتصادی
4	آزادی اقتصادی

Source : Hafez Nia and Saleh Abadi, 2019

۳-۵-۳. تعیین ابعاد رقابتی و رقبا

این بخش در دو مرحله انجام شده است. در مرحله نخست، ابعاد رقابت اقتصادی فرانسه با رقبا در دو حوزه توسعه اقتصادی و آمادگی تکنولوژیکی انجام شده است. در مرحله دوم، رقبای فرانسه در حوزه اقتصادی مشخص شده‌اند (با توجه به هدف پژوهش که مقایسه قدرت اقتصادی فرانسه در قاره اروپا بوده است، همه رقبای فرانسه از قاره اروپا انتخاب شده‌اند). پس از مشخص شدن رقبا، قابلیت‌ها و توانایی‌های کشورهای فرانسه در حوزه اقتصادی (جدول شماره 3) با رقبای اروپایی این کشور مقایسه شده است؛ زیرا، قابلیت‌ها و توانایی‌های هر نظامی باید در ارتباط با نظام‌های دیگر در نظر گرفته شود. در حوزه قدرت اقتصادی نیز توانایی‌های اقتصادی فرانسه باید در مقایسه با رقبای این کشور سنجیده شود تا سطح رقابت‌پذیری آن مشخص شود. به بیان روشن‌تر، امروزه اقتصادی از قابلیت رقابت برخوردار است که بتواند امکانات مناسب‌تری از رقبایش تولید و به بازار عرضه کند. در اینجا قابلیت‌های اقتصادی فرانسه با رقبای اروپایی آن مقایسه و بررسی می‌شود. این مقایسه، مبتنی بر آمار و داده‌های اقتصادی کشورهای رقیب است. به بیان روشن‌تر، همه قابلیت‌ها و توانایی‌های کشورهای رقیب، مشخص شده و امتیازهای ارائه شده مبتنی بر آمارهای موجود بوده است. این آمار و اطلاعات در جدول شماره 3 ارائه شده‌اند که در آن، هر بازیگر بر پایه امتیازات و توانایی‌هایش در هر مؤلفه امتیاز مشخصی دریافت کرده است. بر پایه اطلاعات استخراج شده از میزان قابلیت‌های رقبای اقتصادی فرانسه (جدول شماره 3)، وضعیت رقابتی این کشور با رقبایش به گونه‌ای کیفی سنجیده شده است؛ بنابراین، با توجه به بسیاری از موارد کارشناسی شده، رقبای اروپایی فرانسه به لحاظ سطح رقابت با آن در چند دسته قرار می‌گیرند. کشورهای نروژ، انگلستان، آلمان، سوئد، و سوئیس، بالاترین سطح رقابت اقتصادی را با فرانسه داشته‌اند. همچنین، کشورهای دانمارک، فنلاند، هلند، و اتریش در رده دوم، کشورهای بلژیک، ایتالیا، اسپانیا در رده سوم، و کرواسی، پرتغال، لهستان، جمهوری چک، گرجستان، و صربستان در رده‌های پایین‌تر از سطح رقابت واقع شده‌اند.



جدول شماره (۳). مقایسه ظرفیت قدرت اقتصادی کشورهای مورد بررسی

کشور	پس انداز ملی از تولید ناخالص داخلی	تحرک کسب و کار	زیرساخت‌های اقتصادی	بهره‌وری نیروی کار	سطح فناوری	صادرات کالاهای ICT	تسلط بر بازارهای جهانی	تولید ناخالص داخلی سهم واردات مواد غذایی از	شاخص جینی (Gini)
فرانسه	۲۱/۱	۲۴	۷	۵۱	۱۷	۸۰	۳۴	۹/۸۱	۳۲/۳
اتریش	۲۷/۱	۲۹	۱۴	۳۴	۲۳	۸۳	۵	۸/۰۲	۳۰/۵
بلژیک	۲۵/۱	۱۵	۲۳	۴۵	۱۵	۷۷	۱۰	۹/۶۷	۲۸/۱
کرواسی	۲۲/۱	۷۴	۴۶	۱۰۰	۴۷	۶۷	۱۱۷	۱۲/۸۸	۳۲/۲
چک	۳۳/۶	۴۱	۴۳	۴۴	۲۹	۹۰	۳۶	۶/۲	۲۵/۹
دانمارک	۲۷	۵	۲۱	۱۳	۱۱	۶۳	۴	۱۳/۹۷	۲۸/۵
فنلاند	۲۰/۷	۱۱	۲۶	۲۳	۱۶	۷۰	۲۶	۸/۴۲	۲۶/۸
گرجستان	۱۶/۸	۵۷	۶۵	۴۳	۶۵	۳۲	۱۲۱	۱۴/۱۶	۳۸/۵
آلمان	۲۶/۷	۱۰	۸	۲۲	۱۰	۸۴	۲	۷/۹۶	۳۱/۴
ایتالیا	۲۰/۵	۶۶	۲۵	۱۱۹	۴۰	۸۴	۱۶	۱۱/۰۸	۳۴/۷
هلند	۳۰/۵	۴	۳	۱۴	۶	۹۵	۷	۱۲/۲۶	۲۸/۶
نروژ	۳۰/۳	۳	۳۴	۹	۷	۲۳	۱۷	۱۸/۳	۲۶/۸
لهستان	۲۳/۵	۷۷	۵۳	۷۹	۴۶	۸۰	۲۲	۸/۹۵	۳۲/۱
پرتغال	۱۶/۱	۲۵	۲۲	۶۴	۲۶	۷۷	۱۰۹	۱۵/۳۶	۳۵/۶
صربستان	۱۰/۷	۷۸	۷۴	۱۰۶	۷۰	۵۷	۱۴۲	۵/۷۷	۲۹/۱
اسلونی	۲۹/۳	۲۸	۳۹	۸۵	۳۵	۸۳	۷۱	۸/۶۸	۲۵/۷
اسپانیا	۲۳/۳	۳۹	۱۲	۶۹	۲۵	۷۳	۲۹	۱۱/۸۷	۳۶
سوئد	۲۹/۵	۲	۲۰	۱۸	۴	۷۶	۲۱	۱۱/۳۶	۲۷/۲
سوئیس	۳۴/۷	۹	۶	۱	۱	۹۱	۱	۶/۱	۳۲/۵
انگلیس	۱۵/۱	۶	۹	۵	۳	۷۹	۶	۱۰/۲۱	۳۴/۱

Source: HafezNia and SalehAbadi, 2019



ادامه جدول شماره (۳). مقایسه ظرفیت قدرت اقتصادی کشورهای مورد بررسی

کشور	سهم از انرژی جهانی	صادرات فناوری سطح بالا	تولید ناخالص داخلی	سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی	ذخایر ارزی بین المللی	سرمايه گذاري خارج از مرز	سهم در تجارت جهانی	پيچيدگي اقتصادي	آزادي اقتصادي
فرانسه	۱۳۷/۸	۲۳/۶۶	۱۳/۴	۱۳/۲۷	۳/۶۴	۳۰/۶۷	۲۹/۳	۶۶/۵۱	۴۰/۴۶۲
اتریش	۱۲	۳/۴۴	۲/۰۸	۲/۰۸	۰/۵۸	۷/۱۱	۷۸/۳۲	۱۵/۶۱	۵۲/۳
بلژیک	۱۰/۷	۷/۸۲	۲/۵۳	۲/۵۱	۰/۶۷	۲۵/۰۳	۶۲/۷۶	۲۱/۳۹	۸۲/۹
کرواسی	۴/۴	۰/۰۱	۰/۲۶	۰/۲۷	۰/۴۵	۰/۱۱	۴۹/۳۱	۴۵/۱	۴۹/۷
چک	۲۹/۱	۳/۵۹	۱/۰۴	۱/۰۳	۱/۴۸	۰/۲۴	۷۲/۰۵	۱۲/۱۴	۷۹/۵
دانمارک	۱۶	۱/۶۶	۱/۶۳	۱/۶۴	۲/۱۴	۵/۱۱	۵۸/۴	۵/۲	۵۳/۶
فنلاند	۱۷/۸	۰/۶۵	۱/۲۸	۱/۲۷	۰/۲۸	۴/۰۶	۷۳/۵۲	۹/۲۵	۳۶
گرجستان	۱/۳	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۱	۱۹/۹۶	۱۰/۹۸	۴۳/۶
آلمان	۱۱۹/۶	۳۲/۹۸	۱۸/۸۲	۱۸/۶۶	۴/۹۴	۳۸/۵۴	۸۳/۷۱	۷/۵۱	۴۶/۱
ایتالیا	۳۶/۱	۴/۸۲	۹/۹۸	۹/۹۶	۳/۶۵	۱۴/۱	۶۱/۶۸	۴۴/۵۱	۲۹/۸
هلند	۴۷/۶	۱۱/۹۴	۴/۱۴	۴/۱۵	۱/۸	۲۱/۳	۵۹/۶۱	۸/۰۹	۸۲/۴
نروژ	۲۰۸/۱	۰/۸۴	۲/۰۲	۱/۹	۱/۴۶	۵/۴۴	۵۸/۷۳	۱۳/۸۷	۳۴/۱
لهستان	۶۷/۷	۲/۴۱	۲/۵۱	۲/۵۲	۲/۶۵	۱/۴۳	۵۶/۷۱	۲۲/۵۴	۵۲/۳
پرتغال	۵/۳	۰/۳۴	۱/۱	۱/۱	۰/۴۴	۱/۴۶	۴۱/۱۲	۳۵/۲۶	۴۰/۱
صربستان	۱۰/۸	۰/۰۶	۰/۲	۰/۲	۰/۰۳	۰	۴۱/۳۳	۵۰/۲۹	۵۰
اسلونی	۳/۴	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۲۳	۰/۲۳	۰/۲	۷۱/۹۸	۴۹/۱۳	۷۷/۷
اسپانیا	۳۳/۶	۲/۵۴	۶/۴۷	۶/۶۳	۱/۱۶	۱۴/۷۱	۴۸/۶	۲۶/۵۹	۳۲/۹
سوئد	۳۴	۲/۶۷	۲/۷۸	۲/۷۵	۱/۶۴	۱۱/۵۱	۷۶/۶۴	۱۱/۵۶	۴۴/۳
سوئیس	۱۲/۲	۹/۵۳	۳/۵۶	۳/۵۵	۱۳/۴۷	۲۹/۵	۱۰۰	۰/۵۷۸	۶۸/۸
نگلیس	۱۱۹	۱۲/۴۱	۱۴/۲۷	۱۴/۱	۲/۱۹	۳۸/۸	۷۵/۵۴	۴/۰۴۶	۲۸/۳

Source: HafezNia and SalehAbadi, 2019

بر پایه اطلاعات و آمار ارائه شده در جدول شماره (3)، می توان سطح رقابت بین فرانسه و کشورهای دیگر مورد بررسی را مشخص کرد. بر این اساس، در جدول (4) وضعیت کشورهای مورد بررسی به لحاظ سطح رقابت پذیری اقتصادی آنها با کشور فرانسه و نیز جایگاه هر یک از آنها در ابعاد مورد بررسی مشخص شده است. بر این اساس، جایگاهها در قالب طیفی از خیلی



بالا تا خیلی پایین امتیازدهی شده‌اند. با توجه به بالا بودن حجم امتیازها، در جدول شماره 4، به جای نوشته‌های (خیلی بالا، بالا، نسبتاً برابر، پایین، بسیار پایین) به ترتیب اعداد (5، 4، 3، 2، 1) قرار داده شده است. به بیان روشن‌تر، در جدول شماره (4) در مقایسه توانایی فرانسه با رقبایش، گزینه 5 به این معنا است که آن کشور در آن زمینه در سطح بسیار بالایی برای رقابت با فرانسه قرار گرفته است و گزینه 1 به معنای بسیار پایین بودن سطح رقابت آن کشور با فرانسه در زمینه مشخص شده است.

جدول شماره (4). وضعیت رقابتی کشورهای مورد بررسی با فرانسه

کشور	ناخالص داخلی	پس انداز ملی از تولید	تحرک کسب و کار	زیرساخت‌های اقتصادی	بهره‌وری نیروی کار	سطح فناوری	کل کالاهای صادراتی	صادرات کالاهای ICT از کل کالاهای صادراتی	میزان تسلط بر بازارهای جهانی	تولید ناخالص داخلی	سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی	شاخص جینی (Gini)
اتریش	۲	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۱	۴	۴	۴
بلژیک	۲	۲	۲	۵	۲	۴	۴	۴	۱	۴	۴	۴
کرواسی	۲	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۵	۱	۳	۳
چک	۱	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۴
دانمارک	۲	۱	۱	۵	۱	۱	۲	۱	۱	۴	۴	۴
فنلاند	۳	۱	۱	۵	۱	۳	۲	۲	۲	۳	۴	۴
گرجستان	۴	۵	۵	۵	۲	۵	۲	۵	۵	۴	۲	۲
آلمان	۲	۱	۱	۳	۱	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۳
ایتالیا	۳	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۱	۴	۴	۲
هلند	۱	۱	۱	۲	۱	۵	۲	۵	۱	۴	۴	۴
نروژ	۱	۱	۱	۵	۱	۱	۱	۱	۱	۵	۵	۴
لهستان	۲	۵	۵	۵	۴	۵	۳	۵	۲	۴	۳	۳
پرتغال	۴	۳	۳	۵	۴	۴	۴	۴	۵	۵	۵	۲
صربستان	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۵	۲	۴	۴
اسپانیا	۱	۵	۵	۴	۴	۴	۳	۴	۲	۴	۴	۲
سوئد	۱	۱	۱	۴	۱	۱	۲	۱	۲	۴	۴	۴
سوئیس	۱	۱	۱	۳	۱	۱	۴	۱	۱	۲	۲	۳
انگلیس	۴	۱	۱	۳	۱	۱	۴	۱	۱	۲	۲	۱

ادامه جدول شماره (۴). وضعیت رقابتی کشورهای مورد بررسی با فرانسه

کشور	سهم از انرژی جهانی	صادرات فناوری سطح بالا	تولید ناخالص داخلی	تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی	سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی	ذخایر ارزی بین المللی از مرز	سرمایه گذاری خارج	سهم از تجارت جهانی	پهچیلیگی اقتصادی	آزادی اقتصادی
اتریش	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۲	۲
بلژیک	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۱	۲	۱
کرواسی	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۲
چک	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۲	۱
دانمارک	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۱	۱	۲
فنلاند	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۲
گرجستان	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۱	۲
آلمان	۴	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۲
ایتالیا	۵	۵	۵	۵	۵	۳	۵	۱	۲	۴
هلند	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۱
نروژ	۱	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۴
لهستان	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۱	۱	۲
پرتغال	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۳
صربستان	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۲	۲
اسپانیا	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۴
سوئد	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۲
سوئیس	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۴	۱	۱	۱
انگلیس	۴	۵	۲	۲	۲	۴	۲	۱	۱	۱

Source: Research findings, 2019

۴-۵-۳. تعیین تأثیر قابلیت ها بر ابعاد رقابتی

در این قسمت، قابلیت های اقتصادی فرانسه در دو بعد رقابتی پژوهش، یعنی توسعه اقتصادی و آمادگی تکنولوژیکی، ارزیابی شده است. نتایج پرسش نامه ها در این بخش (جدول شماره ۵) نشان می دهد که قابلیت های موجود در اقتصاد فرانسه تأثیر بیشتری بر بعد رقابتی توسعه اقتصادی دارد تا بعد دیگر آن، یعنی آمادگی تکنولوژیکی. در واقع، این نتایج نشان می دهد که وضعیت فرانسه در بعد توسعه اقتصادی مناسب تر از آمادگی تکنولوژیکی است.



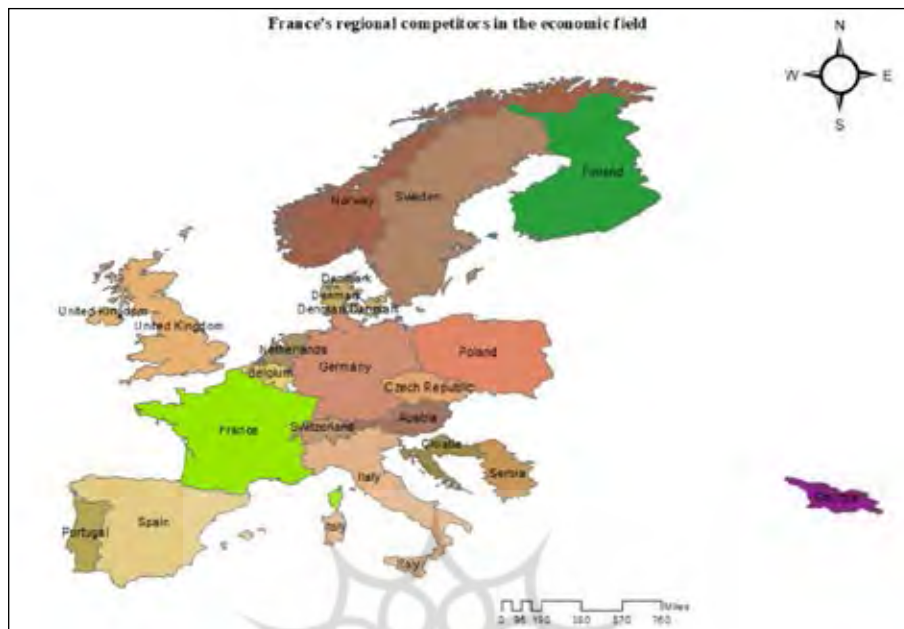
جدول شماره (۵). تأثیر قابلیت‌ها بر ابعاد رقابتی

منابع و قابلیت‌ها	توسعه اقتصادی	آمادگی تکنولوژیکی
پس‌انداز ملی از تولید ناخالص داخلی	*	
تحرک کسب‌وکار		*
زیرساخت‌های اقتصادی	*	
بهره‌وری نیروی کار		*
سطح فناوری		*
صادرات کالاهای ICT در مقایسه با کل کالاهای صادراتی		*
میزان تسلط بر بازارهای جهانی		*
سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی	*	
شاخص جینی (Gini)	*	
سهم از انرژی جهانی	*	
صادرات فناوری‌های سطح بالا		*
تولید ناخالص داخلی	*	
سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی	*	
ذخایر ارزی بین‌المللی	*	
سرمایه‌گذاری خارج از مرز	*	
سهم در تجارت جهانی	*	
پس‌انداز اقتصادی		*
آزادی اقتصادی	*	

Source: Research findings, 2019



شکل شماره (۱). موقعیت قاره‌ای رقابای اقتصادی فرانسه



Source: Research Findings, 2019

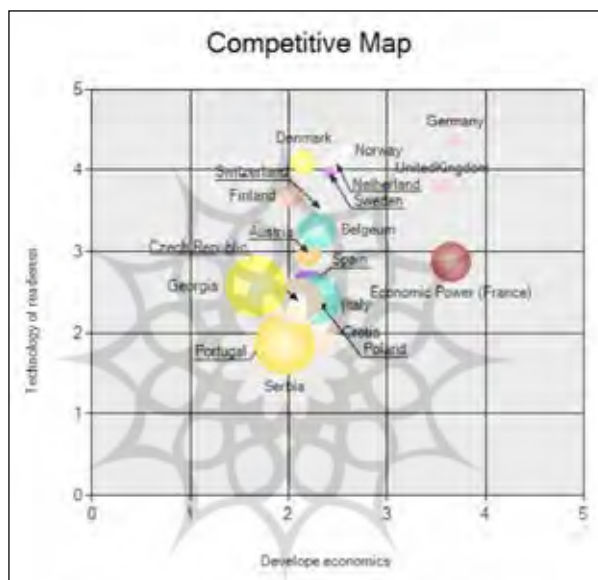
۵-۳-۵. نقشه رقابتی

در این بخش، ارتباط هر یک از ابعاد رقابتی با منابع و قابلیت‌ها، تعیین و در پایان، نقشه رقابتی مبتنی بر آن ترسیم شده است. این نقشه، نمایانگر وضعیت هر یک از رقبای نسبت به فرانسه در زمینه ابعاد رقابتی مورد مطالعه است. شکل شماره (۲)، نقشه رقابتی قدرت اقتصادی فرانسه را با رقبای آن در دو بعد رقابتی (توسعه اقتصادی و آمادگی تکنولوژیکی) نشان می‌دهد که نمایانگر وضعیت رقابتی و سطح رقابت رقبای منطقه‌ای فرانسه به لحاظ اقتصادی است که در آن، اندازه حساب‌ها به معنای سطح رقابت رقبای منطقه‌ای منطقه مورد مطالعه است؛ هرچه حساب‌ها بزرگ‌تر باشند، آن رقیب از سطح رقابت پذیری کمتری برخوردار است. بر این اساس، آلمان، بالاترین سطح رقابتی را نسبت به سایر رقبای منطقه‌ای فرانسه دارد که نشان‌دهنده قدرت اقتصادی بسیار زیاد این کشور در قاره اروپا است. کشورهای انگلستان، نروژ، و هلند نیز در جایگاه دوم تا چهارم بوده‌اند. اقتصاد فرانسه بر پایه توانایی‌های این کشور و مقایسه آن با داشته‌های رقبای دیگر در همان زمینه‌ها، پس از چهار کشور یادشده در جایگاه پنجم قرار گرفته است. کشورهای سوئد، سوئیس، دانمارک، فنلاند، بلژیک، اتریش، اسپانیا، ایتالیا، جمهوری چک، کرواسی، پرتغال، گرجستان، صربستان نیز در جایگاه‌های بعدی بوده‌اند. بر پایه نقشه به‌دست‌آمده، فرانسه در بعد رقابتی توسعه اقتصادی (محور x) با امتیاز 3/64 پس از آلمان با امتیاز 3/67 در جایگاه دوم قرار گرفته است. در این بعد، کشورهای انگلستان، نروژ، هلند،



و سوئد در جایگاه‌های سوم تا ششم بوده‌اند و پرتغال، صربستان، و گرجستان سه کشور آخر در این زمینه در قاره اروپا بوده‌اند. به لحاظ آمادگی تکنولوژیکی، فرانسه با امتیاز 2/87 در بین 19 کشور اروپایی مورد بررسی در جایگاه 11 قرار گرفته است که جایگاه نامناسبی برای این کشور به شمار می‌آید. در این بعد رقابتی، آلمان با امتیاز 4/38 در جایگاه نخست قرار گرفته و پس از آن، کشورهای نروژ، هلند، دانمارک، انگلستان، و سوئد در جایگاه‌های دوم تا ششم واقع شده‌اند. همچنین، در این محور، پنج کشور ایتالیا، جمهوری چک، پرتغال، کرواسی، و صربستان به ترتیب در جایگاه‌های پانزدهم تا نوزدهم جای گرفته‌اند.

شکل شماره (۲). نقشه وضعیت رقبای اقتصادی فرانسه



Source: Research Findings, 2019

۶-۵-۳. ارزیابی منابع و قابلیت‌ها

در این بخش، مشخص شده است که کدام یک از منابع و قابلیت‌های درونی فرانسه در حوزه اقتصادی، توانایی و ظرفیت بیشتری برای رقابتی پایدارتری دارد که سازمان‌های مسئول می‌توانند با برنامه‌ریزی و تقویت آن‌ها (همان نگاه به درون) با رقبای اقتصادی مطرح شده رقابت کرده و قدرت اقتصادی منطقه را به سود خود جهت‌دهی کنند. برای نمایان شدن این توانایی‌ها باید توجه کنیم که یک منبع و قابلیت برتر باید دارای چهار ویژگی بارز بودن، کمیاب بودن، تکرارناپذیری، و جایگزین‌نشدنی باشد. در این راستا، منابع بر پایه یک طیف پنج‌تایی (بسیار قوی، قوی، متوسط، ضعیف، خیلی ضعیف) و بر اساس نظر کارشناسان، ارزیابی شده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ کارشناسان درباره منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه در حوزه رقابتی بودن آن‌ها نشان می‌دهد که این کشور در برخی از منابع جغرافیایی قدرت در بعد اقتصادی

دارای قابلیت رقابت پذیری مناسبی است که عبارتند از: زیرساخت‌های اقتصادی، سطح فناوری، تسلط بر بازارهای جهانی، سهم از انرژی جهانی، صادرات فناوری‌های سطح بالا، تولید ناخالص داخلی، سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی، و ذخایر ارزی بین‌المللی. افزون‌براین، در مؤلفه‌هایی مانند سهم در تجارت جهانی، پیچیدگی اقتصادی، آزادی اقتصادی، صادرات کالاهای دارای فناوری سطح بالا، کل کالاهای صادراتی، و بهره‌وری نیروی کار، در سطح رقابت پذیری پایینی قرار دارد.

درواقع، اگر بخواهیم بر پایه امتیاز و ارزشی که به هر یک از مؤلفه‌ها داده شده است، وضعیت اقتصادی فرانسه را به لحاظ مزیت رقابت اقتصادی بررسی کنیم، مجموع ارزش مؤلفه‌هایی که فرانسه در آن‌ها از توان بالایی برخوردار است، از امتیاز کل یعنی عدد ۱۰۰، امتیاز ۴۹ است؛ به این معنا که تنها نیمی از کل ارزش منابع اقتصادی فرانسه، توان رقابت پذیری دارند و این برای چنین کشوری که در گذشته دارای امپراتوری و قدرت نظامی بزرگی بوده است، مناسب نیست. همچنین، نتایج مربوط به ارزش مؤلفه‌هایی که فرانسه در آن‌ها در سطح رقابت پذیری پایینی بوده است، نشان می‌دهد که از ۱۰۰ درصد ارزش منابع، ۳۴ درصد آن‌ها توان رقابت پذیری ضعیف و نسبتاً ضعیفی داشته‌اند که معادل یک سوم از ارزش کل منابع این کشور است و این نتیجه نیز نشان‌دهنده ضعف اقتصادی فرانسه نسبت به رقبای اصلی‌اش در اروپا (همچون آلمان و انگلیس) است. از آنجا که این مؤلفه‌ها در دستیابی به قدرت اقتصادی از ارزش بسیار بالایی برخوردارند، ضروری است که زمینه بهبود سطح رقابتی شدن آن‌ها به منظور پیشرفت قدرت اقتصادی فرانسه فراهم شود. به طور کلی، آنچه از جدول شماره (۶) می‌توان دریافت، این است که فرانسه با تکیه بر این منابع و توانایی‌ها (به دلیل سطح رقابت پذیری نامناسب بیش از یک سوم منابع) نمی‌تواند در حوزه قدرت اقتصادی با رقبای منطقه‌ای خود رقابت کند و جایگاه بهتری را به دست آورد.

جدول شماره (۶). ارزیابی منابع و قابلیت‌ها بر پایه دیدگاه مبتنی بر منابع

منابع و قابلیت‌ها	وزن (ارزش)	تکرارپذیری	تقلیدناپذیر	سازمان‌دهی
پس‌انداز ملی از تولید ناخالص داخلی	۴	متوسط	متوسط	ضعیف
تحرک کسب و کار	۳	بالا	قوی	بالا
زیرساخت‌های اقتصادی	۶	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
بهره‌وری نیروی کار	۸	ضعیف	ضعیف	نسبتاً ضعیف
سطح فناوری	۶	بسیار بالا	بالا	بالا

ارزش صادرات کالاهای دارای فناوری سطح بالا از کل کالاهای صادراتی	۶	ضعیف	نسبتاً ضعیف
میزان تسلط بر بازارهای جهانی	۵	بسیار بالا	بالا
سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی	۴	بسیار بالا	بالا
شاخص جینی (Gini)	۴	بالا	بالا
سهم از انرژی جهانی	۴	بسیار بالا	بسیار بالا
صادرات فناوری‌های سطح بالا	۸	بسیار بالا	بسیار بالا
تولید ناخالص داخلی	۵	بسیار بالا	بسیار بالا
سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی	۶	بالا	بسیار بالا
ذخایر ارزی بین‌المللی	۷	بسیار بالا	بسیار بالا
سرمایه‌گذاری خارج از مرز	۷	بالا	بسیار بالا
سهم در تجارت جهانی	۷	نسبتاً ضعیف	ضعیف
پهچیدگی اقتصادی	۵	نسبتاً ضعیف	ضعیف
آزادی اقتصادی	۴	نسبتاً ضعیف	ضعیف

Source: Research findings, 2019

۷-۵-۳. شناسایی عوامل کلان

زمانی که برای آینده یک سازمان برنامه‌ریزی می‌شود، باید به این نکته توجه کرد که همیشه مجموعه‌ای از عوامل کلان (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، و فناورانه) وجود دارند که به‌رغم قرار گرفتن در خارج از محیط آن، از قدرت تأثیرگذاری بالایی بر سازمان برخوردارند و وجود آن‌ها برای موفقیت سازمان، ضروری و حیاتی است؛ زیرا، عوامل کلان می‌توانند در محیط و مجموعه، تغییرات بنیادینی ایجاد کنند (Husso, 2011, 216)؛ بنابراین، در برنامه‌ریزی راهبردی باید به آن‌ها توجه شود. بر همین اساس، در جدول شماره (7) عوامل کلان مؤثر بر رقابت‌پذیری اقتصادی فرانسه مطرح و برپایه وزن، میزان تأثیرگذاری، احتمال افزایش و درجه اضطراب آن‌ها، برپایه نظرات کارشناسان، دسته‌بندی شده‌اند. به بیان روشن‌تر، برخی از مهم‌ترین مشکلات و مسائل فراروی قدرت اقتصادی مطرح شده‌اند که برخی از آن‌ها که از وزن و تأثیرگذاری بالایی برخوردارند عبارتند از: تردیدها و نااطمینانی‌هایی که مردم در مورد وضعیت اجتماعی و اقتصادی، عدم مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، رشد کند اقتصادی، و ساختار اقتصادی دارند. نکته قابل تأمل درباره این مؤلفه‌ها این است که هر یک از آن‌ها به‌تنهایی می‌تواند وضعیت و قدرت اقتصادی یک کشور را دگرگون کند، چه رسد به اینکه مجموعه‌ای از این

موارد وجود داشته باشند. به بیان روشن‌تر، برای داشتن قدرت اقتصادی، تنها داشتن منابع، کارساز نیست، بلکه باید بتوان از این منابع به‌خوبی بهره‌وری کرد و آن‌ها را در مناسبات با بازیگران قدرتمند دیگر به‌منظور افزایش سطح چانه‌زنی کشور و دستیابی به اهداف، به کار برد. امروزه به‌دلیل افزایش سطح پیوستگی‌های مکانی و پیش رفتن به‌سوی جهانی شدن در بیشتر سطوح، مسائل داخلی کشورها از جمله منابع قدرت آن‌ها و نحوه بهره‌برداری و حفظ آن‌ها، وابستگی بسیاری به مسائل کلان آن دارد. براین اساس، توجه به مسائل کلان تأثیرگذار بر قدرت اقتصادی بسیار مهم است.

جدول شماره (۷). عوامل کلان تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری اقتصادی فرانسه

متغیرها	وزن	تأثیر	احتمال افزایش	درجه اضطرار
تردیدها و نااطمینانی‌های مردم در مورد وضعیت اجتماعی و اقتصادی	خیلی مهم	خیلی قوی	بالا	فوری
تورم	مهم	قوی	بالا	خیلی زود
کاهش سرمایه‌گذاری خارجی	مهم	قوی	بالا	زود
مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری	خیلی مهم	خیلی قوی	بسیار بالا	فوری
رقابت‌پذیری	مهم	قوی	متوسط	زود
رشد‌کننده اقتصادی	خیلی مهم	خیلی قوی	بسیار بالا	فوری
سیاست‌های مالی	خیلی مهم	قوی	بالا	فوری
ساختار اقتصادی	خیلی مهم	خیلی قوی	بسیار بالا	فوری
مدیریت ریسک نقدینگی	مهم	قوی	بالا	زود
بازار کار دوگانه	مهم	قوی	بالا	زود

Source: Research Findings, 2019

۸-۵-۳. ترسیم نقشه راهبردی

در این قسمت، نقشه راهبردی متشکل از وضعیت منابع و مشکلات نظام اقتصادی فرانسه شکل می‌گیرد که در آن، یک بار تأثیر منابع و قابلیت‌ها بر اهداف مورد نظر فرانسه در افق زمانی مطرح شده بررسی می‌شود؛ در این راستا، این پرسش مطرح و بررسی شده است که «هریک از منابع و توانایی‌های موجود در نظام اقتصادی فرانسه تا چه اندازه می‌تواند به فرانسه در رسیدن به آن اهداف کمک کند؟» و در بخش دوم نیز این پرسش مطرح می‌شود که «منابع و توانایی‌های موجود در نظام اقتصادی فرانسه، تا چه حد از قابلیت کنترل مخاطرات و مشکلات کلان تأثیرگذار بر نظام اقتصادی این کشور برخوردار است». بر پایه دیدگاه‌های کارشناسان، نقشه راهبردی براساس این دو بخش شکل می‌گیرد: الف) منابع و توانایی‌ها که با رنگ فیروزه‌ای نمایش داده شده‌اند؛ ب) عوامل کلان محیطی که با رنگ نارنجی نشان داده



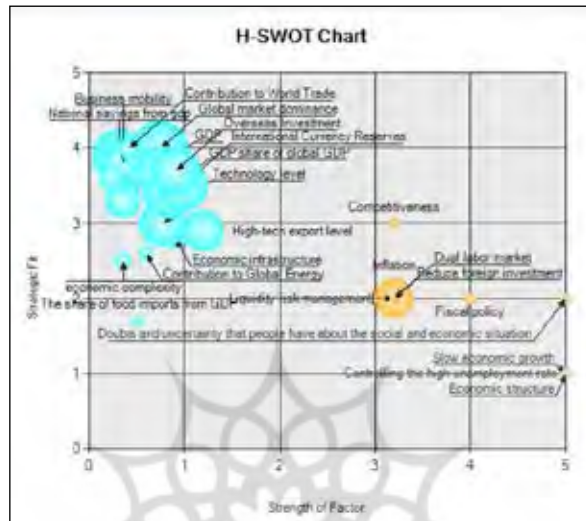
شده‌اند. در شکل شماره (3) هرچه حساب‌ها به سمت راست متمایل باشند، نسبتاً با ارزش، نادر، تقلیدنشده‌ی، و غیرقابل جایگزینی بوده و از تناسب راهبردی برخوردارند. به بیان روشن‌تر، این منابع، بهترین قابلیت‌های کشور برای پیشرفت قدرت اقتصادی فرانسه به‌شمار می‌آیند. آن دسته از عواملی که به سمت بالا متمایل دارند، دارای درجه بالایی از تناسب راهبردی هستند. اندازه حساب‌ها نیز بیانگر درجه تناسب آن‌ها با اهداف و اندازه حساب عوامل کلان محیطی، بیانگر درجه اضطرار آن‌هاست. به‌طور کلی، برای هر دو دسته از حساب‌ها که بیانگر منابع و توانایی‌ها و همچنین، عوامل کلان محیطی هستند، قرارگیری در موقعیت بالا و سمت راست، نشان‌دهنده بالاترین میزان امتیاز و نمره است.

در یک تعریف علمی و تخصصی می‌توان گفت، در واقع، این تناسب راهبردی یک تناسب برنامه‌ریزی و کارشناسی شده برای مقابله با تأثیرات منفی عوامل کلان در بحث رقابت‌پذیری با رقبا و قادر به بیشترین سازگاری و انعطاف‌پذیری با شرایط پیش‌آمده در نتیجه تأثیرات عوامل کلان و اثرات رقابتی است. به بیان روشن‌تر، تناسب راهبردی به معنای این است که توانایی‌ها و قابلیت‌های اقتصادی کشور تا چه اندازه می‌توانند تأثیرگذاری عوامل کلان و منفی را بر اقتصاد کشور کاهش دهند. بر پایه نقشه تناسب راهبردی نمایش داده‌شده در شکل شماره (3)، حساب‌های فیروزه‌ای‌رنگ که بیانگر وضعیت منابع قدرت اقتصادی فرانسه هستند نشان می‌دهند که هیچ‌یک از منابع و توانایی‌های اقتصادی این کشور از توان رقابت‌پذیری برخوردار نبوده‌اند (به دلیل تجمع در سمت چپ نقشه). به بیان روشن‌تر، به دلیل اینکه همه منابع و توانایی‌های اقتصادی فرانسه بر روی محور سطح استحکام (X) از 5 امتیاز ممکن، کمتر از 1 امتیاز را به دست آورده‌اند (به جز صادرات فناوری‌های سطح بالا) فاقد قابلیت استحکام و رقابت‌پذیری هستند.

به بیان روشن‌تر، منابع و قابلیت‌های مطرح‌شده، توانایی کنترل مخاطرات اقتصادی کلان نظام را نداشته، اما به لحاظ راهبردی بودن محور (Y)، از توان رقابت‌پذیری اقتصادی، تبدیل شدن به قدرت اقتصادی، و دستیابی به اهداف مطرح‌شده برخوردارند. برخی از این مؤلفه‌ها عبارتند از: میزان تسلط بر بازارهای جهانی، سهم از تجارت جهانی با امتیاز 4، شاخص جینی با امتیاز 3/9، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری خارج از مرزها با امتیاز 3/7، پیچیدگی اقتصادی با امتیاز 3/6، و صادرات فناوری‌های سطح بالا با امتیاز 3/5 که به ترتیب، راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی به‌شمار می‌آیند. حساب‌های نارنجی‌رنگ، نمایانگر عوامل کلان تأثیرگذار بر منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه است. بر پایه محور استحکام و پایداری مؤلفه‌ها (X)، تردیدها و نااطمینانی‌های مردم درباره وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ساختار اقتصادی موجود، مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، و رشد کند اقتصادی، با امتیاز کامل 5 از 5 امتیاز ممکن، بادوام‌ترین مشکل و مسئله فراروی قدرت

اقتصادی فرانسه به‌شمار می‌آید. در محور (Y) که مبتنی بر مؤلفه‌های راهبردی است، مؤلفه رقابت‌پذیری با امتیاز 3 از 5 امتیاز ممکن، به‌عنوان راهبردی‌ترین مؤلفه کلان تأثیرگذار بر قدرت اقتصادی فرانسه شناخته شده است.

شکل شماره (۳). نقشه راهبردی مزیت رقابت اقتصادی فرانسه در قاره اروپا



Source: Research findings, 2019

نتیجه‌گیری

افزایش سطح قدرت و بازیگری کشورها، به مقدار بسیار زیادی، با نوع استفاده از منابع و توانایی‌های خودشان و بازیگران دیگر برای شکل دادن و واقعیت بخشیدن به اهداف، رابطه دارد. در این راستا، هر کشوری نیازمند شناخت دقیق منابع قدرت خود و بازیگران دیگر و نیز نوع استفاده و بهره‌وری از این منابع است. به بیان روشن‌تر، امروزه به دلیل نزدیک شدن سطح قدرت کشورها به یکدیگر، کشوری قدرتمند است که منابع قدرت در اختیارش از سطح بالای مزیت رقابتی برخوردار باشد. برخورداری از سطح بالای رقابت‌پذیری، جز با در نظر گرفتن منابع خود و بازیگران دیگر و نحوه سامان‌دهی به این منابع برای بهترین استفاده در مناسبات سیاسی، امکان‌پذیر نیست؛ از این رو، در پژوهش حاضر، این مسئله بررسی شد که قدرت اقتصادی فرانسه تا چه میزان از مزیت رقابتی با اقتصاد سایر رقبای منطقه‌ای این کشور برخوردار است.

به منظور رسیدن به هدف یادشده، مهم‌ترین منابع و توانایی‌های اقتصادی فرانسه با 18 کشور اروپایی دیگر مقایسه شدند. نتیجه مقایسه سطح رقابت‌پذیری فرانسه با رقبای اروپایی این کشور نشان داد که نروژ، انگلستان، آلمان، سوئد، و سوئیس از بالاترین سطح قدرت رقابت اقتصادی با فرانسه برخوردارند. همچنین، کشورهای دانمارک، فنلاند، هلند، و اتریش در رده دوم، بلژیک، ایتالیا، و اسپانیا در رده سوم، و کرواسی، پرتغال، لهستان، جمهوری چک، گرجستان،



و صربستان در رده‌های پایین‌تر قدرت رقابت اقتصادی واقع شده‌اند. همچنین، فرانسه در بین 19 کشور انتخاب‌شده، رتبه پنجم را به‌خود اختصاص داده است. در بخش بعدی، نقشه تناسب راهبردی بین منابع و قابلیت‌ها با عوامل کلان تأثیرگذار نشان داد که منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه، توانایی کم کردن تأثیرات منفی عوامل کلان بر توانایی‌های اقتصادی کشور را ندارند.

اما به‌طور کلی، بر پایه نقشه راهبردی ترسیم‌شده، مهم‌ترین قابلیت‌های راهبردی فرانسه که باید بیشتر بر آن‌ها تمرکز کند عبارتند از: ظرفیت نوآوری، صادرات فناوری‌های سطح بالا، بالابردن سطح فناوری علمی، جذب سرمایه‌های خارجی، و اقتصاد دانش‌محور که به‌ترتیب راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بوده‌اند. حباب‌های نارنجی‌رنگ، نمایانگر عوامل کلان تأثیرگذار بر منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه است و بر پایه محور استحکام و پایداری مؤلفه‌ها (X)، تردیدها و نااطمینانی مردم در مورد وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ساختار اقتصادی موجود، مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، و رشد کند اقتصادی با امتیاز کامل 5 از 5 امتیاز ممکن، بادوام‌ترین مشکل و مسئله فراروی قدرت اقتصادی فرانسه به‌شمار می‌آید. در محور (Y) که مبتنی بر مؤلفه‌های راهبردی است، میزان تسلط بر بازارهای جهانی و سهم در تجارت جهانی با امتیاز 4، شاخص جینی با امتیاز 3/9، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری خارج از مرزها با امتیاز 3/7، پیچیدگی اقتصادی با امتیاز 3/6، و صادرات فناوری‌های سطح بالا با امتیاز 3/5، به‌ترتیب راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بوده‌اند. بر پایه نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت، جایگاه اقتصادی فرانسه با توجه به پیشینه این کشور و جایگاه سیاسی آن در سطح جهانی در میان رقبای آن، مناسب نیست؛ به‌گونه‌ای که پس از کشورهای آلمان، انگلستان، نروژ، و هلند در جایگاه پنجم قرار گرفته است.



References

- Abolhasan Shirazi, Habibullah & Sadeghi, Zahra. (2011). Economic and Social Crisis of Europe in the third Millennium: England, France and Germany. *Scientific Quarterly of International Relations Studies*, 4(17), 9-32.
- Ahn, S., (2002). Competition, Innovation and Productivity Growth: A Review of Theory and Evidence. *Economics Department Working Papers*, No. 37, OECD. Document number ECO/WKP(2002)3. available at: <https://doi.org/10.1787/18151973>.
- Andrade, D.P. (2020). The Emergence of Modern Emotional Power: Governing Passions in the French, Grand Siècle. *Theor Soc* 49, 465–491. Available at: <https://doi.org/10.1007/s11186-020-09382-5>.
- Banzhaf J.F III (1966). Multimember's Electoral Districts- Do They Violate the One Man, One Vote Principle. *Yale Law Review*, 75, July 1966, pp i309-i338.
- Barnett, Michael & Duvall, Raymond Eds (2005). *Power in Global Governance*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Blake, David P., Striking Similarities: The Origins of the European Economic Community (January 4, 2021). *Advances in Politics and Economics*. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract>.
- Body of European Regulators for Electronic Communications (BEREC) (2018). Price Effects of Mobile Mergers in Austria, Ireland and Germany. BEREC Report on Post-Merger Market Developments, No BoR (18) 119, 15 June.
- Castells, Manuel (26 January 2010). *End of Millennium*. ISBN9781444323443.
- Corruption Perceptions Index 2018 Executive Summary p. 2 (PDF). Transparency.org. Transparency International. Retrieved 10 July 2019.
- Crafts, N. F. R. (2009). Solow and Growth Accounting: a Perspective from Quantitative Economic History. In: 20th Annual History of Political Economy Conference: Robert Solow and the Development of Growth Economics. Duke University. 25-27 Apr 2008. Published in: *History of Political Economy*, Vol.42 (Suppl. 1). pp. 200-220. ISSN 0018-2702. doi:10.1215/00182702-2009-024.
- Dahl, R.A. (1957). The Concept of Power. *Behavioral Science*, Vol. 2, pp. 201-215. July. Reprinted in Bell et al *Political Power*, p. 79.
- Duymuş, Kerem (2020). The Economic Policies in French Outremer Within the Context of Pactum Warmundi, This Text was Delivered as the Part of the “Global History”. Seminar at the University of Bayreuth on June 11th 2020.
- Evangelišta, R., Iammarino, S., Mastrostefano, V. & Silvani, A. (2001). Measuring the Regional Dimension of Innovation. *Lessons from Italian Innovation Survey*. *Technovation*, 21, 731–745. Available at: <https://doi>.



org/10.1016/S0166-4972(00)00084-5.

Evenett, S., (2005). What is the Relationship between Competition Law and Policy and Economic Development?. University of Oxford, Mimeo.

Fagerberg, J. & Verspagen, B. (1996). Heading for Divergence? Regional Growth in Europe Reconsidered. *Journal of Common Market Studies*, 34, 431–448, available at: <https://doi.org/10.1111/j.1468-5965.1996.tb00580.x>.

Fagerberg, J., Verspagen, B. & Caniels, M. (1997). Technology Gaps, Growth and Unemployment Across European Regions. *Regional Studies*, 31, DOI: 10.1080/00343409750132252.

Geenhuizen, M. & Nijkamp, P. (2000). The Learning Capabilities of Regions—Conceptual Policies and Patterns. In: F. Boekema, K. Morgan, S. Bakkers & R. Rutten (Eds). *Knowledge, Innovation and Economic Growth* (pp. 38–56). U.K.: Edward Elgar.

Grabher, G. (Ed.) (1993). *The Embedded Firm. On the Socioeconomics of Industrial Networks*. London: Routledge.

Hafez Nia, Mohammad Reza & Saleh Abadi, Rehane (2019). *Optimizing the National Power Measurement Model of Countries*. Doctoral Thesis, Tarbiat Modares University.

Hedayati Shahidani, Mehdi & Ramzanpour Shlamani, Javad. (2018). *The US Approach to China's Continued Economic-Military Development, A Case Study of Donald Trump's Presidency*. *International Studies Quarterly*, 16(2), 71-9.

How does your country invest in R&D?, UNESCO Institute for Statistics (retrieved on 27 September 2020)

Human Development Index (2018) Statistical Update. hdr.undp.org. United Nations Development Programme. Retrieved 10 July 2019.

Lianos, B., (2007). *La Transformation du Droit de la Concurrence par le Recours à Analyse économique* (Bruylant, 2007).

Lukes, Steven (1974). *Power: A Radical View*. London: Macmillan.

Magalhães (2018). *The Physical Economy of France (1830-2015). The History of a Parasite ?*. Project: Environmental History.

Maire, Bruno Le (2019). *The United States & France 2019 Economic Report*. Embassy of France in the United States Economic Department.

Megir, Costas and Quah, Danny (1995). *Regional Convergence Clusters Across Europe*. CEP Discussion paper; CEPDP0274 (274). Centre for Economic Performance. London School of Economics and Political Science. London: UK.

Mehra, K. (2003). *Regional Innovations and the Economic Competitiveness in India*. *The International Handbook on Innovation*, 904–914. doi:10.1016/b978-



008044198-6/50063-2.

Moreta, Stefano, Babonneaub, Frédéric, Bierlairec, Michel & Marécha, François (2020). Overcapacity in European Power Systems: Analysis and Robust Optimization Approach. *Applied Energy*, Vol. 259, 1 February 2020, 113970.

Mucha-Leszko, Bogumiła, Katarzyna Twarowska (2016). The European Union As A Global Economic Power. *Comparative Economic Research*, Vol.19, No. 3, DOI: 10.1515/cer-2016-0019.

Neven, D. J., Gouyette, C. (1994). Regional Convergence in the European Community. CERP Discussion Paper.

Nickell (1996). Competition and Corporate Performance. *Journal of Political Economy*, 104, p.724-746, DOI: 10.1086/262040.

Nonaka, I. (1991). The Knowledge-Creating Company. *Harvard Business School Review*, 6 (8), 96–104.

OECD (2015), France, Évaluation de Certaines Mesures de la Loi Pour la Croissance, l'activité et l'égalité des Chances économiques et Perspectives de Futures Réformes". OECD Publishing, Paris.

Organisation for Economic Co-operation and Development (2012). OECD Employment Outlook 2012–Statistical Annex (PDF). Retrieved 29 June 2013.

Payne, Richard (2016). *Global Issues* (5th ed.). Boston: Pearson Education Inc. p. 16

Petrakos, G., Arvanitidis, P., Pavleas, S. (2007). Determinants of Economic Growth: The Experts' View. *Dynamic Regions in a Knowledge-Driven Global Economy Lessons and Policy Implications for the EU*. Dwyer Working Papers 20/2007.

Prasad, Monica (2006). *The Politics of Free Markets: The Rise of Neoliberal Economic Policies in Britain, France, Germany, and the United States*. University of Chicago Press. p. 328. ISBN 9780226679020.

Quick, Katherine (2015). *The French Economy: An Examination of Competition and Regulation*. University Honors Theses. Paper 196. available at: <https://doi.org/10.15760/honors.124>.

Report for Selected Countries and Subject. International Monetary Fund.

Rosnick, David (2017). The French Economy, European Authorities, and the IMF: "Structural Reform" or Increasing Employment?. Center for Economic and Policy Research 1611 Connecticut Ave. NW Suite 400 Washington, DC 20009.

Sébastien, Jean, Perrot, Anne. & Philippon, Thomas. (2019). Competition and Trade: Which Policies for Europe?. In *Notes du Conseil d'analyse économique*,



۲۲۰

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

Vol. 51, Issue 3, 2019, pages 1 to 12.

Shapley L.S. (1953). A Value for N-Person Games. in Kuhn H.W., Tucker A.W. (eds.) , Contributions to the Theory of Games. Vol. 2, pp. 307-317, Princeton University Press, Princeton.

Silva, Everton Almeida (2020). The German Hegemony in the European Union: European Economic Integration as an Asymmetric Regime. Brazilian Journal of International Relations, ISSN 2237-7743, Início,Arquivos, Vol. 9, No. 2.

Simon H.A. (1953). Notes on the Observation and the Measurement of Power. The Journal of Politics, Vol. 15, No. 4, pp. 500-516. November. Reprinted in Bell et al Political Power., p. 69.

Smith, Richard D (2010). The Role of Economic Power in Influencing the Development of Global Health Governance. Global Health Governance, Volume Iii, No. 2 (Spring 2010) available at: <http://www.ghgj.org>.

Smith, Richard D., (2009). Global Health Governance and Global Public Goods. In Making Sense of Global Health Governance - A Policy Perspective, Eds. Kent Buse, Wolfgang Hein, and Nick Drager (Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2009).

Soltani, Farzad, Motaghi, Afshin & Mohammadjani, Mustafa. (2019). Studying the political-military strategy of France in the Indian Ocean. International Studies Quarterly, 16(4), 110-87.

Soltanifar, Ehsan, Aghazadeh, Hashem & Ansari, Manouchehr (2017). A Policy Analysis on the Environment for the Development of Commercial-Economic Cooperation between Iran and France. Quarterly Journal of Strategic Public Policy Studies, Vol. 8, No. 26, Spring 2017.

Taverdet-Popiolek, N. Economic Footprint of a Large French Research and Technology Organisation in Europe: Deciphering a Simplified Model and Appraising the Results. J Knowl Econ (2021). <https://doi.org/10.1007/s13132-020-00709-2>

Ulku H. (2004), R&D, Innovation, and Economic Growth: An Empirical Analysis. 'IMF Working Paper' 185, ISBN/ISSN: 9781451859447/1018-5941.

UNWTO Tourism Highlights 2014 Edition (PDF) (2014). Archived from the Original (PDF) on 17 December 2014.

Vértesy, László (2018). Macroeconomic Legal Trends in the EU11 Countries. Public Governance. Administration and Finances Law Review. 3 (1). Archived from the original.

